

نوجوان عزیز مطالب این چند

صفحه رو بخون و در ارزیابی

آخرش هم شرکت کن و

امتیازهای خودت رو در باشگاه

امتیازی شاهد شهید زرین کلاه

زیادتر کن

شرکت امتیاز

هفته

حالا خیلی زود بریم خشاب

این هفته مون رو پر کنیم

راستی یادم رفت بگم

این برنامه ای رو که هر هفته می تونیم

مطلب تازه ازش یاد بگیریم و امتیاز کسب کنیم

اسمش رو میذاریم

خشاب هفتگی

فدای دوست داشتنی ما



این جهان خودش به وجود
اومده یا خالق داره؟

بعضی ها می‌گن کل عالم در اثر
یه انفجار به وجود اومده!!!

شاید این فکر به ذهن خیلی از شما رسیده باشه که آیا میشه این جهان خودش به وجود اومده باشه و خالق نداشته باشه؟

راستش رو بخواین باید بگیم که نه. شما فرض کنید که وقتی وارد خونه تون می‌شین میبینید که تلوزیون جاش عوض شده. خب حالا ممکنه از افراد خونه پرسین که چه کسی تلوزیون رو جابجا کرده؟ اگه به شما بگن خودش جابجا شده شما قبول می‌کنید؟ قطعاً زیر بار این حرف نمی‌رید.

حالا بیاید به این همه نظم و ترتیبی که در جهان وجود داره نگاه کنیم. از تغییر فصل و جزر و مد دریاها و طلوع و غروب خورشید و گردش زمین به دور خودش و به دور خورشید گرفته تا این همه پدیده های طبیعی مثل کوه و دریا و کرات و کهشکشان ها.





وقتی به پدیده‌های موجود در عالم و نظمی که بینشون برقراره فکر می‌کنیم، می‌فهمیم که با عقل جور درنمیاد که جهان بدون خالق باشه. به قول معروف هر نظمی ناظمی داره.

داستان کوتاه

دو نفر دانشمند با یکدیگر دوست بودند که یکی به وجود خدا اعتقاد داشت ولی دیگری می‌گفت این جهان خالق ندارد. روزی دانشمند معتقد، سازه‌ای زیبا و منظم با استفاده از تکه‌های چوب ساخت و روی میزاتاقش گذاشت و سپس از دوست خود دعوت کرد که به منزل او بیاید.

وقتی که دوستش به خانه آمد به محض اینکه وارد اتاق شد و آن سازه زیبا و منظم را دید ضمن تحسین آن سازه پرسید که :

_ چه کسی این سازه را ساخته است؟

_ خودش به وجود آمده است.

_ یعنی چه؟ مگر می‌شود این سازه با این نظم خود به خود به وجود آمده باشد.

_ بله می‌شود.

_ مرا مسخره کرده‌ای؟ امکان ندارد. حتما کسی این سازه را ساخته است.

_ خیلی عجیب است. تو نمی‌توانی قبول کنی این سازه کوچک و حقیر بدون خالق باشد، اما ادعا می‌کنی که این جهان بزرگ با این نظم دقیق بدون خالق است.

دانشمند با شنیدن این جواب ساکت ماند و در فکر فرو رفت.

سه دقیقه با بهشتیان

مهمان این هفته: شهید سید مرتضی امیدیان

شهادت روح شهدا مصداقات

۱

روز اول مدرسه‌ها بود، روز اول مهر. مرتضی هم تازه راهنمایی شده بود. نشسته بود سر کلاس و منتظر معلم. وقتی معلم وارد کلاس شد مرتضی نگاهش را برگرداند و سرش را زیر انداخت و تا آخر زنگ بالا نیاورد. معلم بی‌حجاب بود. مرتضی دیگر به مدرسه نرفت تا اینکه نامش را در مدرسه دیگری نوشتند.

۲

سخنرانی امام که پخش می‌شد مرتضی با دقت و تمرکز می‌نشست پای تلویزیون. بعد از سخنرانی حساسی فکر می‌کرد برای اجرایی کردن حرف‌های امام. روز بعد هم به مسجد می‌رفت و طرح‌هایش را ارائه می‌داد و همراه با بقیه اجرا می‌کرد.

۳

خواهرش رو به مرتضی کرد و گفت حالا که داری میری سرراحت ما رو هم برسون. مرتضی به آرامی جواب داد استفاده شخصی از بیت‌المال ممنوع.

۴

در تاریکی شب توجه یکی از رزمندگان جلب شد. جلوتر که آمد مرتضی را دید. نشسته بود و پوتین رزمنده‌ها را واکس می‌زد.

۵

صدای فرمانده به گوش می‌رسید. «هرکس نزدیک بشه و آسیب ببینه جانش به عهده خودشه». چند نفر میان آن انفجار سهمگین شهید شده بودند. هیچکس جرأت نزدیک شدن به آن صحنه را نداشت. به نظرش هنوز یک نفر زنده بود. تریل سوار در فاصله ۷۰۰، ۸۰۰ متری آن انفجار خود را به گودی پشت خاکریز رساند و با سرعت خود را به میان آتش انداخت. یکی دو دقیقه بیشتر طول نکشید که آن جسم نیمه جان را از میان شعله‌های آتش بیرون کشید. امروز آن نجات یافته از مهلکه، زندگی‌اش را مدیون سیدمرتضی می‌داند.

۶

اسکله به دست رزمنده‌ها افتاد. نوبت به بخش تعاون بود که فعالیت خود را آغاز کند. مرتضی وارد اسکله شد. همه بچه‌ها خسته و تشنه بودند. یک نفر آب به دست گرفته بود و به همه آب داد. دوازده نفر بودند. مرتضی نفر دوازدهم بود. نوبت به او رسید. موشک نشست روی اسکله. سر مرتضی با ترکش موشک جدا شد. تشنه بود و سر جدا. پیکر بی‌جان داخل آب افتاده بود. نیروها برای پیدا کردن شهدا به آب زدند. مرتضی اولین شهیدی بود که پیدا شد. خودش گفته بود دلم نمی‌خواهد اسیر یا مفقود شوم.

احکام تقلید

بر هر انسانی که به تکلیف رسیده باشد واجب است که در احکام شرعی از مجتهد تقلید کند. البته اگر کسی خودش به درجه اجتهاد رسیده باشد نباید از دیگران تقلید کند و باید به اجتهاد خودش عمل کند. سن تکلیف برای پسران تمام شدن پانزده سال قمری می باشد. البته پسران از دو طریق دیگر هم ممکن است به تکلیف برسند که بعداً توضیح داده می شود.

تقلید به معنای رجوع به متخصص است و هر عاقلی در انجام کارهای تخصصی زندگی خودش به متخصص رجوع می کند. به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند، مرجع تقلید گفته می شود.



از بین مراجع زنده، اعلم را پیدا کنیم و به فتوای او عمل کنیم

۲

اگر مرجع تقلید ما از دنیا برود

۱

باید

الف) یا باقی ماندن بر تقلید از میت را جایز می داند، در این صورت مختار هستیم که یا از مجتهد زنده تقلید کنیم یا از مجتهدی که از دنیا رفته است.

ب) یا باقی ماندن بر تقلید از میت را جایز نمی داند، در این صورت باید از مجتهد زنده تقلید کنیم.

فتوای مرجع تقلید زنده دو حالت دارد

۳

نکته: برخی از مراجع می گویند اگر مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، باید بر تقلید از او باقی بمانیم.

دوستای عزیز و خوب من، یکشنبه هفته آینده تولد پدر امام زمان یعنی امام حسن عسکری علیه السلام هست. ضمن تبریک این میلاد با سعادت ازتون دعوت می کنم کلیپی رو که در باره امام حسن عسکری علیه السلام براتون فرستادم ببینید.

خب!!!

حالا دیگه نوبت ارزیابی هست. نگران نباشد. خیلی آسونه. کافیه یکی دوبار این چند صفحه رو خونده باشید.

سؤال ۱. یکی از پدیده های منظم در جهان جزر و دریاها می باشد. (دو حرف)

سؤال ۲. با موجو در جهان می توانیم به وجود خالق پی ببریم. (سه حرف)

سؤال ۳. شهید امیدیان سخنرانی های چه کسی را با دقت گوش می داد؟ (چهار حرف)

سؤال ۴. وقتی انسان به تکلیف می رسد برای به دست آوردن احکام شرعی باید از مجتهد کند. (پنج حرف)

سؤال ۵. شهید امیدیان روز اول مدرسه سرش را زیر انداخت. چون معلمش بود. (شش حرف)

سؤال ۶. پسران با تمام شدن چند سال قمری به سن تکلیف می رسند؟ (شش حرف)

سؤال ۷. شهید امیدیان مثل اربابش امام حسین علیه السلام شهید شد. (پنج حرف)

سؤال ۸. یکی از ویژگی های مرجع تقلید این است که از دیگران باشد. (چهار حرف)

سؤال ۹. «جهان با این همه نظم و ترتیب بدون خالق است». این سخن با جوردر نمی آید. (سه حرف)

سؤال ۱۰. پیکر بی جان مرتضی بعد از شهادت داخل کجا افتاد؟ (دو حرف)

سؤال آخر. برداشت خود را از کلیپ بنویسید.

سؤال آخر یک نمره و بقیه سؤالات نیم نمره دارند.

برای راهنمایی هم تعداد حروف جواب رو نوشتم و هم بعضی از حروف رو داخل جدول نوشتم.

